راهبردهاي رسانهاي براي مقابله با چالشهاي فراروي وحدت اسلامي

راهبردهاي رسانهاي براي مقابله با چالشهاي فراروي وحدت اسلامي

محسن پاك آيين[1]

مشاور رئيس سازمان فرهنگ وارتباطات اسلامي - ايران

بنام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه:

با سپاس و حمد الهي و عرض سلام، از حضور خود در بيست و دومين كنفرانس بين المللي وحدت اسلامي ابراز خرسندي ميمايم.از خداوند بزرگ توفيق اين اجلاس در تحقق اهداف مجمع جهاني تقريب بين مذاهب اسلامي را خواستارم.

امروز در حالي كه جهان اسلام بيش از هر زمان ديگر به وحدت و تفاهم نياز دارد دستگاههاي تبليغاتي غرب با سو استفاده از فن آوري ارتباطات، عمليات رواني و تبليغي، قدرت نرم و جنگ رسانه اي،وحدت جهان اسلام را نشانه گرفته اند .در اين عرصه گسترش ارتباطات در حوزههاي فرهنگي و ديني موجب شده تا

نظامهاي رسانهاي در دنيا به عنوان ابزاري مؤثر براي تأثير گذاري بر افكار عمومي فعاليت خود را دنبال نمايند. از سوي ديگر گسترش روزافزون گفتمانهاي عمومي در برابر گفتمانهاي رسمي نقش رسانه را افزايش داده و منجر به ورود گفتمانهاي غير رسمي به حوزه رسانه شده است.

در ارتباط با اهميت فعاليتهاي رسانهاي حضرت آيت ا خامنهاي رهبر معظم انقلاب اسلامي ايران فرموده اند[2] :

" امروز شما ببينيد وسايل تبليغ در دنيا چقدر متنوع شده، اين طرفِ دنيا يک نفر جوان پاي يک دستگاه كوچک مينشيند و افكار، تصورات، تخيلات، پيشنهادهاي فكري و پيشنهادهاي عملي را از سوي هر كسي - بلكه هر ناكسي - از آن طرفِ دنيا دريافت ميكند.امروز اينترنت و ماهواره و وسايل ارتباطي بسيار متنوع وجود دارد و حرف، آسان به همه جاي دنيا ميرسد.ميدان افكار مردم و مؤمنين، عرصهي كارزار تفكرات گوناگون است.امروز ما در يک ميدان جنگ و كارزار حقيقي فكري قرار داريم.اين كارزار فكري بهيچوجه به زيان ما نيست، به سود ماست.اگر وارد اين ميدان بشويم و آنچه را كه نياز ماست - از مهمات تفكر اسلامي و انبارهاي معارف الهي و اسلامي - بيرون بكشيم و صرف كنيم، قطعاً بُرد با ماست، ليكن مسأله اين است كه ما بايد اين كار را بكنيم."

در اين عرصه قدرتهاي بزرگ از راه تسلّط بر شبكههاي ارتباطي و رسانههاي جمعي، عادات و آداب خود را در ديگر كشورها رواج مي دهند تا با تضعيف فرهنگهاي ملل ديگر،انديشه ايجاد جهاني تک فرهنگي را محقق سازند.

اشاعه تفكرهاي متنوع اعم از مذاهب و اديان، مكتبهاي زميني و مادي، مليتها و قوميتها از طريق رسانههاي سنتي و مدرن، اديان و مذاهب را در معرض يک رقابت كاذب قرار داده و عامل مهمي براي تفرقه و تشتت بين پيروان مذاهب بخصوص در جهان اسلام شده است.اين آشكار است كه وقتي روح اسلام و فرهنگ مسلمانان با رواج فرهنگ غرب از جامعه اسلام رخت بربندد، «اتحاد» كه يكي از مظاهر فرهنگ اسلامي است، در كشورهاي اسلامي و ميان مسلمانان محقق نخواهد گشت.

كاركرد رسانهها، مطبوعات، شبكههاي ماهوارهاي و خبري، در عصر حاضر چنان گسترش يافته كه قدرتهاي بزرگ بخش اعظمي از بودجه را براي ساخت و يا نظارت بر اين بخشها اختصاص داده اند.نمود اين تحركات را ميتوان در سياستهاي جنگ طلبانه آمريكا در افغانستان و عراق مشاهده كرد كه با استفاده از تبليغات و گزارشات منتشره در نشريات و رسانههاي وابسته، توانست اجماع جهاني را جهت حمله نظامي به

اين كشورها به دست آورد.در اين برهه متاسفانه بسياري از رسانههاي جهان اسلام نيز در دام شگردهاي حرفهاي نظريه پردازان حوزه ارتباطات و مديريت رسانهاي غرب گرفتار شده و حركت مستقلي را براي مقابله با اين وضعيت صورت ندادند.

البته در سالهاي اخير گامهاي مثبتي در كشورهاي اسلامي جهت ايجاد هماهنگي رسانهاي برداشته شده كه نمود آن كنفرانس وزراي كشورهاي اسلامي در عربستان است .در اين اجلاس مطرح شد كه كشورهاي اسلامي بايد شبكههاي منسجم و هدفمند براي خنثي سازي توطئههاي رسانهاي دشمنان داشته باشند.همچنين از سرمايه داران مسلمان خواسته شد كه سرمايه خود را به جانب راه اندازي، توسعه و گسترش رسانههاي جمعي معطوف نمايند و رسانههاي اسلامي بيش از پيش شبكههاي انگليسي زبان خود را عليه فشارهاي رواني و رسانهاي غرب به كار گيرند .در نهايت هم قرار شد براساس يک طرح، شبكههاي خبري و رسانهاي واحدي از طريق سران كنفرانس اسلامي احداث گردد كه ضمن بررسي تحولات جهان اسلام براي مقابله با توطئههاي دشمنان فعاليت نمايد.اما عليرغم اين رويكرد جديد،در عرصه عمل اتفاق مهمي صورت نپذيرفت و تحول مهمي در جهت بهره گيري از رسانه رخ نداد.

واقعيت اين است كه همانگونه كه ايجاد تفرقه ميان مذاهب از طريق رسانههاي سنتي و مدرن ممكن است، براي مقابله با عوامل تفرقه و حركت به سوي تقريب مذاهب اسلامي نيز بايد از همين رسانهها استفاده كرد.ابزارهائي كه ميتوانند نقش مهمي در پيشرفت و ايجاد وحدت ميان مسلمانان داشته و در تقريب و نزديكي ميان مذاهب بسيار تاثيرگذار باشند.

اهميت نقش رسانه در عرصه دين و فرهنگ

در اهميت نقش رسانه در تقويت مباني ديني توجه به موضع مسيحيت كاتوليک حائز اهميت است.واتيكان در دومين شوراي خود دربارة رسانهها و نقش و مسؤليتهاي آنها در جامعه، رسانهها را هديههاي الهي [3] قلمداد نموده كه زمينه اتحاد مردم را فراهم ميآورند .در اين شورا گفته مي شود كه كليسا امروزه براي گسترش معنويت و تعاليم ديني، به طور اساسي نيازمند مطالعه، ارزيابي و استفاده صحيح از تكنولوژي ارتباطات و رسانههاست.

جهت گيري رسانههاي سنتي و مدرن غرب بخصوص در عرصه هنر و سينما نشانگر آن است كه مقابله با رشد

اسلام از طريق ايجاد تفرقه در ميان مسلمانان از اولين اولويتهاي فرهنگي جهان غرب بوده است.چنانكه در تمامي اين آثار ضد اسلامي ميتوان مصاديق «تمسخر، تحقير،تحريف و تهديد» را در مواجهه با مسلمانان شناسايي كرد.با توجه به اين مصاديق شايد بتوان گفت كه هيچ فتنهاي در آخرالزمان بزرگتر از «فتنة رسانهها» نيست.قدرت نفوذ و ميدان عمل اين جادوي قرن بيست و يكم كه شايد همان دجال آخرالزمان باشد تهديدي فراگير است كه وحدت اسلامي و آينده مسلمانان را نشانه گرفته است.

در جهان امروز دستگاههاي تبليغي غرب با استفاده از رسانه ايجاد تفرقه در سطوح ملي و فرا ملي را براي عدم انسجام مسلمانان تجربه كرده و كماكان در دستور كار دارند.جهان غرب ايجاد تفرقه در سطوح ملي در كشورهاي اسلامي را موجب تشتت و اختلاف در يک واحد از جهان اسلام دانسته و تحقق اين هدف را در امتداد سياست كلي جلوگيري از وحدت جهان اسلام مي داند.به عبارت ديگر هنگامي كه كشورهاي اسلامي دچار جنگها و منازعات داخلي باشند بطور طبيعي نمي توانند جهان اسلام را براي ايجاد يک اتحاد بزرگ ياري نمايند و در نتيجه اختلافها در سطوح ملي موجب اختلاف در سطوح فراملي در حيطه جهان اسلام خواهد شد.براي مثال نقش رسانهها در ايجاد اختلاف و منازعه بين مسلمانان و گروههاي ملي و اسلامي در فلسطين،لبنان،حوزه قفقاز،بالكان واروپاي شرقي نمونهاي از اين ترفندهاي تفرقه آميز است.در برخي از اين كشورها مانند حوزه بالكان شاهد آن بوديم كه رسانههاي وابسته به غرب با هدايت افكارعمومي جامعه خويش را به شورش عليه حاكميت فراخواندند و نوعي انقلابهاي موسوم به مخملي را ايجاد نمودند.اين اتفاقات در مناطقي موجب تضعيف جدي مسلمانان و كشتار آنان گرديد و در مناطقي نيز منجر به آن شد كه دولتهاي وابسته به غرب به قدرت برسند.

" در كشورهاي مزبور بنياد اوپن سوسايتي[4] متعلق به جرج سوروس، صهيونيست و از شاگردان كارل پوپر، ضمن فعال كردن نهادهاي غير دولتي براي سازماندهي سياسي جامعه، دهها رسانه را براي مهندسي افكارعمومي هدايت ميكرد.سوروس در لبنان نيز كوشيد در پي ترور رفيق حريري، يك انقلاب مصنوعي ايجاد كند اتفاقي كه در روزنامه شرق با نام«انقلاب رنگي در بيروت»مورد استقبال واقع شد.اما هوشياري جامعه لبنان و مهندسي خوب حركت جامعه از سوي حزب ا و برگزاري راهپيمايي دو ميليوني مردم با فراخواني نصرا، اين پروژه را ناكام گذاشت."

امروزه تنها در جمهوري آذربايجان، 20موسسه خبري با سرمايه سوروس فعاليت ميكنند.اين رسانهها به جاي آنكه در راستاي همگرايي كشورهاي اسلامي فعاليت كنند به ابزاري براي تضعيف اسلام در جامعه مي پردازند.هم اكنون غير از سوروس، صهيونيسم معروف رابرت مردوخ، مشهور به غول رسانهها؛ بيشترين رسانهها را در جهان در اختيار دارد و ميكوشد افكارعمومي جهان اسلام را در جهت تقويت تفرقه هدايت

نمايد.چند سال پيش هنگامي كه شبكه الجزيره توانست محبوبيتي در افكارعمومي خاورميانه كسب كند فاكس نيوزمتعلق به مردوخ، شبكه الجزيره را خريد تا هدايت افكارعمومي اعراب را در جهت افزايش تضاد بين شيعه و سني به عهده بگيرد.متاسفانه يكي از آسيبهايي كه رسانههاي كشورهاي اسلامي با آن مواجهند الهام پذيري از رسانههاي غربي از طريق دريافت خبر و تحليل است.اين امرموجب ميشود كه اين رسانهها نتوانند به خوبي در خدمت تعالي و پيشرفت جوامع خود قرار گرفته و گاهي نيز موجبات تفرقه در ميان مسلمانان را هم فراهم مي آورند.اين اتفاق را بارها در لبنان، عراق و فلسطين شاهد بوده ايم.اما از سوي ديگر در سايه هوشمندي و سياستگذاري صحيح مي توان از عنصر رسانه جهت ايجاد اتحاد و تفاهم در جهان اسلام بهره جست.

" آلوين تافلر در موج سوم ميگويد: «آيت ا خمينيره) در يك نبرد رسانهاي انقلاب كرد.پيروان آيت ا خمينيره) كاملا رسانههاي موج اول يعني موعظههاي شفاهي و چهره به چهره روحانيون با مردم و موج دوم يعني نوارهاي صوتي را به خدمت گرفتند و همزمان رسانه موج سوم يعني راديو و تلويزيون، كه در اختيار رژيم شاه بود را تحريم كردند.بنابراين پيام آيت ا خميني به تودههاي مردم ميرسيد و ضمن زير سوال بردن مشروعيت شاه، مردم را عليه شاه تهييج ميكرد اما پيام شاه به جامعه نمي رسيد.»[5]

اورت راجرز در كتاب " تكنولوژي ارتباطات: رسانههاي جديد در جامعه" در سال 1986 يعني، پس از گذشت هفت سال از رخداد انقلاب اسلامي ايران، بيان ميكند كه رژيم شاه عليرغم در اختيار داشتن رسانههاي فراگير نوشتاري و الكترونيك نتوانست در برابر شبكه ارتباطات سنّتي ايستادگي كند و درسي كه كشورهاي جهان سوم بايد از انقلاب ايران بگيرند، اين است كه اهميت بيشتري به كانالهاي بين فردي يا رسانههاي كوچك بدهند".امروزه ديپلماسي رسانهاي آمريكا كه يكي از اهداف آن ايجاد اختلاف بين مسلمانان است در وزارت خارجه اين كشور 114 نوع فعاليت را به عنوان محصول اين ديپلماسي دنبال ميكند .از جمله اين فعاليتها اعزام سخنران از آمريكا به خارج براي ارائه كنفرانس در مورد مواضع آمريكا مي باشد.اهميت اين موضوع براي دستگاه ديپلماسي آمريكا تا بدان حد است كه در راستاي ارتقاي ديپلماسي رسانهاي و بهسازي چهره جهاني آمريكا حدود يک ميليارد و 225ميليون دلار در هر سال در اختيار وزارات خارجه آمريكا قرار ميگيرد.

مشخصات فعاليتهاي رسانهاي جهان غرب

الف- مشخصه مهم ديپلماسي رسانهاي جهان غرب،همراهي با رسانههاي رژيم صهيونيستي است.امروزه بسياري از رسانههاي جهاني به دست قدرتهاي غربي و يا لابي صهيونيستي تاسيس يا اداره ميشوند.تلاش اين

رسانهها در اين جهت است كه فرهنگ غربي را فرهنگ برترمعرفي كرده و فرهنگ ديگر ملل را قديمي، كهنه و بي خاصيت جلوه دهد و اينگونه القا شود كه اين فرهنگ ديگر براي عصر حاضر پاسخگو نيست.

ب- مشخصه دوم تحريف يا سانسور بسياري از خبرهاي مربوط به جهان اسلام بويژه جناياتي كه عليه مسلمانان صورت ميگيرد مي باشد.سانسور خبري باعث شده كه واقعيتهاي جهان اسلام بصورت غير واقعي مطرح گردند.در واقع دشمنان اسلام با بهره گيري از رسانهها، به تزلزل و تخريب چهره اسلام و مسلمانان ميپردازند.اين تبليغات تا بدان حد گسترده است كه در بسياري از كشورهاي غربي و آمريكا به مسلمانان با چشم تروريسم و تهديد كنندگان صلح جهاني مينگرند.رسانههاي غربي با تخريف اخبار سعي مي كنند ايجاد نفرت از اسلام و مسلمانان را در افكار مردم جهان را نهدينه ساخته و زمينه تهاجم گسترده فرهنگي و نظامي به كشورهاي اسلامي را فراهم كنند.

ج- مشخصه سوم مبارزه رسانهاي غرب با وحدت جهان اسلام است.در واقع مقابله با تقريب مذاهب از طريق ايجاد اختلاف و نفاق ميان مذاهب اسلامي با ابزار رسانهاي سنتي نظير مطبوعات،راديو و تلويزيون و رسانههاي مدرن نظير سامانههاي اينترنتي،سينما،تئاتر،انيميشن و رسانههاي مجازي اجرا مي شود .غرب بودجههاي بسياري را براي تقويت اين سياست در نظر گرفته كه در قالب تبليغات گسترده عملياتي شده است.

براي تحقق اهداف تقريبي در ميان مذاهب اسلامي،يافتن شيوههائي براي مقابله با تهديدها و استفاده از فرصتها ضرورت دارد.امروزه در حوزه رسانه،شناخت ترفندهاي رسانههاي سنتي و مدرن براي ايجاد اختلاف بين مسلمانان و يافتن راههائي براي مقابله با اين ترفندها با اهميت تلقي مي شود.

طرح راهبردي تقريب رسانهاي در جهان اسلام

تحقق شعار «اتحاد اسلامي»" در حوزه بهره گيري شايسته از عنصر رسانه، ضرورت بررسي چگونگي تقويت سياست" رسانه و تقريب" در ميان مسلمانان جهان را از ابعاد گوناگون ايجاب مينمايد.در فرآيند تدابيرتقريبي، سياست رسانهاي به مجموعه عواملي اطلاق ميشود كه دولتهاي اسلامي و علماي تقريبي از طريق آن در بلند مدت الگوهاي رفتاري و شيوه تفكر و زندگي ملتهاي مسلمان را در جهتي كه تأمين كننده منافع و خواستهاي همگرايانه باشد هدايت ميكنند.اين ابعاد شامل بعد رسانهاي و اطلاعاتي

(تلويزيون و راديو، مطبوعات،كتابخانهها،) بعد هنري و ورزشي (تبادل هنرمندان و ورزشكاران، صادرات و واردات محصولات فرهنگي و جشنوارهها) بعد دينيِ(گفتگو بين اديان و...)و بعد فرهنگي وعلمي دربرگيرنده مبادلات علميِ،دانشگاهي و اعزام و دعوت استاد و دانشجو و پژوهشگر با هدف ايجاد و تقويت دوستي و مودت ميان مذاهب اسلامي ميباشد.در اين تعاريف كاركرد رسانه، برقراري پيوند بين بخشهاي مختلف امت اسلامي است.به همين سبب ميتواند در درون جامعه مسلمانان نوعي تفاهم و همگرايي را ايجاد نمايد.در عين حال اگر رسانه به جاي آنكه در خدمت اهداف تقريبي باشد، در خدمت دشمنان اسلام قرار گيرد مي تواند به صورت عامل تفرقه و واگرايي جوامع مسلمان عمل نمايد.در دههاي اخير مي توان نمونههاي بارزي از همگرايي و تقريب اسلامي و واگرايي تفرقه آفرين را در جهان اسلام مشاهده كرد.اهميت رسانههاي مدرن يا ديجيتالي نيز هر روزه افزايش مي يابد.نئواونجليستها يا گروهي كه امروز به مسيحيان صهيونيست نيز موسوم شده و همپيمان نومحافظه كاران آمريكا هستند، از رسانههاي مدرن براي تحقق اهداف خود به خوبي استفاده كرده اند.در واقع نقش اين رسانهها در متقاعد ساختن عامه مردم آمريكا براي حمايت از سياستهاي نومحافظه كاران بسيار برجسته است.تا حدي كه اين پديده را "تله ونجليسم" [6] ناميده اند.همچنين عوامل اجتماعي و ديني نهضت نئواونجليسم كه تحت تاثير گستردة راديو و تلويزيون مذهبي و نهادهاي چند رسانهاي قرار داشتند، كليساي الكترونيك نام گرفته اند.

مجمع جهاني تقريب و مراحل تدوين سياستهاي راهبردي رسانهاي

يكي از برنامههاي راهبردي اعضاي مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي در جهت مقابله با تهديدات و بهره گيري از فرصتها،يافتن راههائي براي استفاده از رسانههاي سنتي و مدرن در كشورهاي مختلف مي باشد و در اين ارتباط بايد سياستهاي راهبردي رسانهاي تدوين گردد.اين فرآيند در بر گيرنده سه مرحله مي باشد :

الف- تدوين راهبردها

ب- اجراي راهبردها

ج- ارزيابي راهبردها

الف- تدوين راهبردها

مقصود از تدوين راهبرد، شناسايي فرصتها و تهديداتي كه در مسير اجراي وظايف رسانهاي وجود دارد، تعيين هدفهاي بلند مدت وانتخاب روشهاي عملياتي ميباشد .برپايه آنچه بيان شد ميتوان به دو راهبرد كلي در حوزه رسانههاي سنتي و مدرن به منظور تحقق تقريب مذاهب اسلامي اشاره داشت : راهبرد نخست- كمک به اتحاد مسلمانان در سراسر جهان با تاسيس يک نهاد اطلاع رساني و خبري جهاني

راهبرد دوم- حضور و تاثير گذاري مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي در معادلات جهان اسلام با بهره گيري از ابزار رسانهاي كارآمد

ب- اجراي راهبردها

اجراي راهبردها ايجاب مي كند كه مجمع، هدفهاي رسانهاي خود را با رعايت اولويت مشخص كند، سياستها را تعيين نمايد، و منابع انساني و مالي را به گونهاي تخصيص دهد كه راهبردهاي تدوين شده به اجرا در آيد .اعضاي مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي كه جمعي از علما و شخصيتهاي تاثيرگذار جهان اسلام هستند بايد با شناخت محيط عمومي كشور خود،با استفاده از ابزار اطلاع رساني نظير رسانهها،سامانههاي اينترنتي،محيطهاي علمي،ديني، دانشگاهي،هنري و ورزشي در اجراي اين برنامه فعال باشند.

ج- ارزيابي راهبردها به معني نظارت و ارزيابي دائمي و مستمر از مراحل اجرائي راهبردهاست.در اين فرايند مجمع با نوآوري،تنها به موفقيتهاي موجود بسنده نكرده و به سوي وضعيت مطلوب حركت ميكند.

در حوزه رسانههاي سنتي:

منظور از اين حوزه، نوع ديداري، شنيداري و نوشتاري است از قبيل مطبوعات، راديو و تلويزيون، رسانههاي اينترنتي كه در خدمت صنعت اطلاع رساني قرار دارند.بر اساس آمار، رسانهٔهاي سنتي اصلئترين منبع اطلاع رساني ديني هستند و حدود 60 درصد مردم در كاركردهاي چهارگانه آموزشي، اطلاع رساني، ارشادي و سرگرمي از اين رسانهها تغذيه مي شوند.

در اين حوزه تاسيس رسانهاي خبري و اطلاعاتي براي نزديک سازي جهان اسلام در قالب مجمع بين المللي تقريب مذاهب اسلامي امري ضروري مينمايد.تاسيس اين رسانه فراگير براي جهان اسلام، ابزاري مفيد در مقابل سياستهاي رسانهاي غرب است که با ترفندهاي خاص خود وحدت جهان اسلام را تهديد مي کند.به عبارتي در عصر حاضر که غرب و دشمنان اسلام با در اختيار گرفتن ابزارهاي تبليغاتي و رسانهاي براي مبارزه با اسلام و مسلمانان فعاليت ميکنند، تشکيل رسانهاي خبري و اطلاعاتي در جهت اهداف تقريب ضروري مي باشد.اين رسانه مي تواند تحت عنوان خبرگزاري جهاني تقريب با مشارکت کليه اعضا و به زبانهاي مختلف اداره گردد.خبرگزاري تقريب در صورت مديريت صحيح مي تواند از سانسورهاي خبري غرب بويژه در عراق، فلسطين جلوگيري کند، موج اسلام ستيزي را مهار نمايد و با تاکيد بر مشترکات،جهان اسلام را به سوي همگرائي هدايت کند.امروزه شرايط فرهنگ و ارتباطات در جهان اسلام اقتضا ميŸکند که انواع ارتباطات سنتي وجمعي در مسيري همگرايانه و نه واگرايانه باشد و تعامل نيروهاي اسلامي به گونهŸاي باشد که موجب گردد.

در حوزه رسانههاي مدرن

رسانههاي مدرن با توجه به نقش مهم و تاثيرگذار خود، در واقع بهترين عرصه براي ظهور و بروز استعدادها و تواناييهاي تقريبيون است.امروز اين فن آوري براي جهان اسلام غريبه نيست و لذا نهادهاي فرهنگي از جمله مجمع جهاني تقريب مذاهب نيز بايد نگاه ويژه خود را نسبت به فناوريااطلاعات و رسانههاي مدرن تقويت کند.واقعيت اين است که ما در جهاني زندگي مي کنيم که سرعت و عمق تحولات در برخي عرصهها آنچنان بالاست که تاريخ بشر تاکنون نظير آن را به خود نديده است .به طور خاص مرکز ثقل اين تحولات حوزه فن آوري اطلاعات و ارتباطات (ICT) است.بر اساس آمار حجم اطلاعات فني بشر هر دو سال دو برابر مي شود و پيش بيني ميشود که از سال 2010 به بعد اين زمان به 72 ساعت برسد.هر روز 3000 کتاب جديد در جهان چاپ ميشود.ارزش تخميني اطلاعات يک هفته روزنامه نيويورک تايمز و يا هشت روز روزنامه تايمز بيش از همه اطلاعاتي است که يک فرد در قرن هيجدهم طي تمام عمر خود بدست ميآورده است.اولين پيام کوتاه يا SMS در انتهاي سال 1995 فرستاده شده و اکنون تعداد پيامهاي کوتاه فرستاده شده در هر روز با جمعيت کره زمين برابر است .جهان در حال تجربه جديدي است. تغييري که اگر چه وجهه غالب آن علمي است، اما خواه ناخواه آثار عميقي بر ساير ابعاد زندگي انسانها بخصوص در عرصه دين و فرهنگ بر جاي گذاشته و عصري جديد را در آيندهاي نزديک فراروي او مينهد.به گزارش سايت سازمان اطلاعات مرکزي آمريکا تعداد کاربران اينترنت بنابر آمارهاي سالهاي 2005 تا 2007، بالغ بر 1 ميليارد نفر بوده است.آمار نشان ميدهند که تعداد کاربران اينترنت با سرعت انفجارآميزي ميان کشورهاي جهان سوم و در حال توسعه، در حال گسترش است .امروز پديده ديگري به وب 2 جانشين وب سنتي

شده است.مهمترين اساس وب 2 مشاركت است .[7] در وب سنتي گروههاي كوچكي از افراد، سايتهائي با گرايش محتوائي مشخص ايجاد مي كردند و افراد زيادي آنها را مي خواندند، ولي در وب 2 گروههاي بيشماري از افراد مي نويسند و محتواي توليد شده توسط آنها بازهم توسط خودشان سازماندهي مي شوند.توليد محتوا و پردازش در وب 2 ميتواند به صورت وبلاگنويسي، آپلود عكس و كليپ در سرويسهاي اشتراک عكس و ويدئو، برچسبگذاري يا توليد فرهنگهاي مشاركتي يا همان ويكيها باشد.با توجه به اين وضعيت اكنون در حيطهي روابط ديني و فرهنگي بايستي در كنار حوزههاي ملي و بين المللي به حوزه سايبر يا فضاي مجازي نيز بينديشيم .شايد نخستين چيزي كه در اين فضا جلب نظر مي كند حضور كمرنگ و يا اصولا عدم حضور دولتهاست.دومين موضوع نيز حضور ضعيف مسلمانان در اين فضا ميباشد.در جهاني بنام وب 2 كه با هزاران اجتماع كوچک و بزرگ و ميليونها نفر انسان، مي توان مستقيما به تعامل پرداخت مسلمانان غير فعال و دشمنان جهان اسلام وبخصوص اتحاد اسلامي بشدت فعال هستند.بر اين اساس با ايجاد گروههاي ديني و شبكههاي موضوعي رايگان در موضوعات تقريبي و ارائه مطالب متنوع، ميتوان مسلمانان جهان و به خصوص طلاب و دانشجويان را در جوامع هدف با اهداف تقريب مذاهب اسلامي آشنا كرد.در قدمهاي بعدي و با توجه به بازخوردهاي فعاليتهاي اوليه مي توان با طراحي نرم افزارهاي كاربردي جذاب و جهت دار روي پلات فرم اين شبكهها، محيط زيرشبكههاي ايجاد شده را كاربردي تر و جذاب تر نمود و به مدد آن اعضاي بيشتري را به اين مجامع جذب نمود.كنفرانسهاي موضوعي، جلسات بحث و تبادل نظر، گروههاي كاري روي مسائل فرهنگي، معرفي و ارائه و تبادل آثار هنري، آموزش، معرفي منابع فرهنگي - ديني و تقريبا هر نوع فعاليت ديگري در چهارچوب اين شبكهها ممكن است.عدم محدوديت ايجاد زيرشبكه اين امكان را فراهم مي آورد كه بتوانيم شبكههاي مختلف براي مخاطبين در ردههاي سني متفاوت و نيز با اديان و ديدگاههاي فكري متفاوت داشته باشيم.براي آشنائي بيشتر با اين فضاي جديد، بطور اختصار فضاهاي مورد نظر معرفي ميگردد.

بلاگها

براي استفاده كاربردي از بلاگ و نفوذ موثر در وبلاگستانها، تهيه شناسنامه ي اجمالي از بلاگهاي فارسي،عربي و انگليسي مرتبط در قالب يك بانك اطلاعاتي و سپس به روز آوري مستمر آن ضروري است .

از اين ظرفيت به دو شكل ميتوان استفاده كرد، نخست حضورغير مستقيم در بلاگهاي با ترافيك بالا كه موضوعاتشان در حيطه فعاليتهاي اسلامي است .اين حضور ميتواند به شكل بحثهاي محتوائي در قالب كامنت و يا ارتباط با صاحبان اين وبلاگها و ارائه مطالب جهت درج در آنها باشد.دوم ايجاد وبلاگهاي فعال و جذاب با موضوعات ديني با تاكيد بر تقريب مذاهب اسلامي به زبانهاي زنده ي دنيا، كه ميتواند روي

اقشار فرهيخته و مومن بسيار تاثير گذار باشد.

پخش ويديوئي

ايجاد چند كانال تلويزيوني با موضوعات تقريبي كه ويدئو كليپهاي متنوعي در حوزه دين و ديگر موضوعات جذاب را در چهارچوب فيلمهاي خبري، مصاحبه، كليپهاي هنري و امثال آن را در خود جاي دهند، ميتواند مخاطبين زيادي از كشورهاي مختلف جذب نمايد.حضورفعال در كانالهاي مرتبط ديگر و ارائه مستمر نظرات اصلاحي و تشويقي نيز از دو جهت مفيد است، يكي بسط ارتباطات و جذب مخاطب بيشتر براي كانالهاي خودي و ديگري جهت دهي به حركتهاي فرهنگي همسو در اين محيط

خوراكهاي خبري

استفادهي از RSS در همه سايتهاي اينترنتي وابسته جهت ايجاد سهولت در استفاده از آنها و افزايش تعداد مراجعين به اين سايتهاست. خوراكهاي خبري و تحليلي را مي توان به صورت موضوعي و با طبقه بنديهاي متنوع نيز عرضه كرد تا براي سنين و سلائق و مناطق مختلف به طور مجزا جذاب و قابل استفاده باشد.

اطلاعات رفتاري كاربران

يكي از در دسترس ترينِ اين سرويسها trend Google است كه مي تواند جهت استخراج، دسته بندي و تدوين رفتارهاي فرهنگي و گرايشات مناطق مختلف جهان در محيط وب مورد استفاده قرار گرفته و خروجيهاي آن جهت ارائه خدمات فرهنگي چه در محيط وب و چه به صورت فيزيكي مورد بهره برداري قرار گيرند.اين سرويس به دليل توانائي تبديل گرايشات فكري و علائق كاربران اينترنت به قالبهاي آماري و ازآن مهمتر تفكيک منطقهاي و جغرافيائي اين گرايشات نقش بسيار مهمي در فعاليتهاي رصد و پايش جريانات فكري جهان اسلام است.

ويكيها

ويكي پديا نيز يكي از بزرگترين ظرفيتهاي رايگان اينترنت است كه مانند اغلب ظرفيتهاي آنلاين بيشتر از سوي مخالفين اسلام و اتحاد مسلمانان مورد استفاده بوده است.در همه زمينهها و همه زبانها ميتوان مقالات مورد نظر را در ويكي پديا به صورت رايگان عرضه و در مورد موضوعات موجود با رعايت شرايط عمومي ويكي پديا، ويرايشهاي جديد ارايه داد.اين مقالات به دليل پرمراجعه بودن خود سايت از يک طرف و ارجاع دادن موتورهاي جستجو به آن از سوي ديگر، ترافيک بالائي خواهند داشت.

ايجاد ويكيهاي مستقل نيز در موضوعات فرهنگ و دين با توجه به آزاد بودن انتشار مقالات در آن (و البته امكان كنترل كلي) مي تواند مخاطبين زيادي را به بحث و چالش در فضا بكشاند.در مجموع محيط وب 2 محيطي باز، آزاد و رايگان براي نقد و ارزيابي انديشهها، طرح تفكرات ناب ديني، تعاملات فرهنگي و برقراري شكل جديدي از روابط فرهنگي است .اين روابط از پس كوچههاي قوانين و مقررات فعاليتهاي فرهنگي در ممالک بيگانه و موافقتنامهها و تفاهم نامههاي دولتي نمي گذرد، بلكه به صورتي پويا، سريع و جذاب، مخاطب نهائي و مصرف كننده فرهنگي را هدف گرفته است.وب 2.0 مي تواند آنتي تز خود باشد، اگر مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي به سرعت و با آموزش لازم علماي اسلام و پژوهشگران مسلمان را به حضور در آن برانگيزانند . با توجه به خصوصياتي كه در مورد وب 2بيان شد تعبير ميدان جنگ يا عرصهي كارزار در بيانات مقام معظم رهبري بسيار با اين خصوصيات نزديک است و رهنمودهاي ايشان بايستي فراروي فعاليتهاي فرهنگي در اين محيط باشد.

نكته مهم فرهنگ سازي در مورد ضرورت حضور فعال اطلاعاتي در حوزههاي دين و فرهنگ درون محيطهاي آزاد طرح انديشه مانند ويكيها و بلاگها به عنوان يک واجب كفائي است.محيطهاي دانشگاهي و حوزوي وبه طور عام فرهنگي بايستي به وب 2 به مثابه يك جامعه انساني بزرگ با امكانات ارتباطي بس قوي و رايگان بنگرند كه بدون هيچ مانعي از جمله دخالتهاي دولتي و مقررات دست و پاگير فرهنگي با كمترين امكانات ميتوان به طور مستقيم با جامعه مخاطب ارتباطي دوسويه برقرار ساخت، شبكههاي مجازي با موضوعات جذاب فرهنگي ايجاد كرد و دادههاي علمي - ديني را به اشتراك نهاد.حتي امكان نقد دادههاي ديگران نيز بدون هيچ مشكلي فراهم است .اگر مسجد و منبر به عنوان يك بستر ارتباطي و طرح مسائل ديني، فرهنگ خاص خود را داشت و دارد و درچهارچوب آن ميتواند در انتقال مثبت محتوا به مخاطب موفق باشد، وب 2 نيز فرهنگ مخصوص خود را دارد و مناسبات و ساختارهاي حاكم برآنند كه اين فرهنگ را ميسازند و ما براي توفيق در ارائه و انتقال محتوا در اين فضا، تسلط لازم را بر آن فرهنگ داشته و در جامعه كاربران مسلمان نيز اين تسلط را ايجاد نمائيم.ارتباطات ديني درفضاي سايبر به اشكال مختلفي

ميتواند انجام شود.بسته به نوع مخاطب، توليدكننده، جنس مصرف كننده، تعداد و ...متفاوت است.

استفاده ي ديني از فضاي سايبر ارتباطات مسلمانان را با مسلمانان و غير مسلمانان مستحكم ميكند و امكان مقايسه و مقابله گروههاي ديني مختلف را فراهم ميآورد.

نتيجه گيري

در پايان، با توجه به موضوع جهانشمولي اسلام و جهاني سازي در كنفرانس وحدت اسلامي و نيز مباحثي كه بيان شد، نتايج وپيشنهادهاي زير ارايه ميگردد :

* آموزش اعضاي مجمع جهت چگونگي استفاده از فناوري ارتباطات و اطلاعات و استفاده از تكنولوژي مدرن براي كاهش شكاف بين مذاهب جهان اسلام ضرورت دارد.اعضاي مجمع بايد در حوزه فعاليت خود نخست ترفندهاي رسانهاي براي ايجاد تفرقه در سطوح ملي و فراملي را بشناسند و سپس با تعيين راهكارهاي اجرائي به خنثي سازي تهديدات بپردازند.

* با آموزش لازم رسانه اي، هر يك از اعضاي مجمع تقريب مذاهب اسلامي در كشورهاي خود به ايجاد و تقويت مناسبات رسانهاي سنتي ومدرن با اهداف تقريبي همت گمارد .در اين ارتباط برپائي يك كارگاه آموزشي در فاصله بين دو اجلاس مفيد ميباشد.

* ايجاد زيرساختهاي رسانهاي در حوزه رسانههاي سنتي و مدرن در كشورهاي مختلف با كمك اعضاي مجمع و ايجاد ارتباط مستمر و منظم بين اعضاي مجمع در كشورهاي مختلف و بهره گيري از تجارب رسانهاي يكديگرضرورت دارد.

* گسترش سواد ديجيتالي به منظور ايجاد نگرش نوين در روند بهره گيري از رسانه - تشويق دولتهاي اسلامي توسط اعضاي مجمع جهت استفاده مجامع تقريبي از فناوري اطلاعات و ارتباطات در جهت تقويت وحدت جهان اسلام.

* راه اندازي سامانههاي اينترنتي و ايجاد وب لاگها به زبانهاي مختلف جهت استفاده از فضاي مجازي،

استفاده از فضاي مجازي امروز نسبت به سالهاي قبل بسيار پررنگتر و برجستهتر است و هر چه زمان به پيش ميرود امكان بهرهبرداري از فضاي مجازي براي اقدامات تقريبي بيشتر ميشود. در عصركنوني نمايشگاههاي هنري، كتاب و جلسات بحث و كلاسهاي آموزشي در فضاي مجازي عمليتر است، امروز حتي برخي از برنامهها نظير استفاده از دروس حوزوي علماي اسلام را بر روي سامانه اينترنتي مي توان ديد.

* در حوزه رسانههاي سنتي شناسائي و ارتباط با رسانههاي تاثيرگذار در افكار عمومي نظير خبرنگاران،رو شنفكران،هنرمندان و سازمانهاي غير دولتي و تشويق و هدايت آنان در مسير تقويت فرهنگ تقريبي در جوامع اسلامي بايد در دستور كار قرار گيرد.

منابع:

1 - وب 2 و ضرورت نو انديشي در حوزه روابط فرهنگي،افتخاري فريد،نشريه چشم انداز،سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي ّ،1378

2- يك مطالعه تطبيقي پيرامون برنامهٔهاي اسلامي تلويزيون ايران و كليساي الكترونيك، دكتر ناصرباهنر

3- ارتباطات ديني و جهاني شدن؛ رسانههاي سنتي و مدرن،دكتر ناصر باهنر

4-سايبر ديپلماسي رسانهها،دكتر رها خرازي آذر،سايت جام جم

5- آشنايي با تعريف و مباني ديپلماسي سايبر؛ ديپلماسي افكار عمومي،

http://yazdit.mihanblog.com/post/978

6- چشم انداز مديريت رسانه، http://www.afarineshdaily.ir/afarinesh/News.aspx?NID=14553

7- تعريف رسانه بر مبناي الگوي اسلامي -ايراني ضرورت تحول در مباني علم ارتباطات، قاسم

رحماني،http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1407713

8- تقريب ضرورتي فراموش شده! نويسنده: محمد جواد، http://parsiblog.rasaneh.com/blog-68191.htm

---

[1] - سفير سابق جمهوري اسلامي ايران در كشورهاي تايلند،ازبكستان و زامبيا

[2] - در ديدار علما و روحانيون كرمان (2/11/84)

[3] - يك مطالعه تطبيقي پيرامون برنامهاًهاي اسلامي تلويزيون ايران و كليساي الكترونيك،دكتر ناصرباهنر، http://www.isu.ac.ir/Publication/Quarterly-Research/Quarterly-Research/16_Quarterly_1603.htm

[4]- www.basirat.ir/news.aspx?newsid=11953

[5]- www.basirat.ir/news.aspx?newsid=11953

[6] -ارتباطات ديني و جهاني شدن؛ رسانههاي سنتي و مدرن،ناصرباهنر، http://www.kalemeh.org/article28.aspx

[7] - وب 2 و ضرورت نو انديشي در حوزه روابط فرهنگي،افتخاري فريد،نشريه چشم انداز،سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي 1378